

اندیشه تثبیت اعتبار و اندیشه عدم اعتبار در ترازوی داوری

گزارش از آن چه گذشت

از ابتدای شروع گفتگو از مسأله چهارم¹، به دو رأی کلان اشاره شد: اندیشه تثبیت اعتبار و اندیشه عدم.

در راستای اثبات اندیشه تثبیت به یازده دلیل اشاره شد و هیچ کدام از ادله بدون تعلیقه نماند، هر چند برای برخی از آن ها مقتضی دلالت، وجود داشت، لکن تمامیت دلالت آن ها، به نبود مانع، مثل نبود نص و دلیلی دال بر خلاف مدلول آن ها، مشروط گردید.

در راستای اندیشه عدم به اصلی فلسفی کلامی اشاره گردید و در پایان، سخن یکی از معاصران دایر بر عقلی انگاری حکومت فقیه و نبود نقلی صحیح و تاریخی معتبر بر انتخابات بود.

آن چه باقی مانده است²

واضح است که در صحن گفتگو، آسنادی دیگر از نقل و اعتبار عقلی، عقلایی، تجربی، و تاریخی وجود دارد و تا آن ها مورد بررسی قرار نگیرد، نمی توان گفتگو از مساله را پایان یافته تلقی کرد، چنان که نباید از وعده موعود که در ذیل برخی از ادله یازده گانه داده شد،³ غفلت کرد.

البته بخشی از باقی مانده ها در حد وسیع مورد گفتگو واقع شده است و ظرفیت گفتگوی گسترده از آن ها در مجال حاضر نیست؛ از این رو باید به اجمال - لکن به کفایت - از آن ها صحبت کرد تا به حاصلی رسید اعم از این که حاصل، یکی از دو اندیشه کلان باشد یا اندیشه سومی به منصفه ظهور برسد.

باقی مانده ها در طرف اندیشه عدم اعتبار / اشاره به تعییناتی در این پیوند

اندکی مطالعه در این زمینه، جستجوگر را به تعییناتی می رساند که در طرف اندیشه عدم اعتبار وجود دارد و بعضا در بیان های سابق نیز بود. بخشی از این تعیینات عبارتند از:

1. نصوص قرآنی و - احيانا - روایی دال بر مذمت از حاصل رای اکثریت؛
2. اسناد نقلی دال بر جانشینی و نیابت فقیه در عصر غیبت از امامان معصوم - علیهم السلام - در اداره امور اجتماع و مسلم انگاری عدم اعتبار به رای مردم در اداره شئون آن هادر عصر حضور امام علیه السلام؛
3. جامعه نیازمند حاکم است. در جامعه اسلامی باید احکام اسلام - که همه شئون مردم را فرا می گیرد - پیاده شود و این کار از عهده فقیه جامع شرایط بر می آید، بدون این که برای حضور و انتخاب مردم مجالی در مشروعیت بخشی به حکومت وی باشد. البته مساله مقبولیت، ایجاد امید در مردم و تثبیت پایگاه مردمی برای حکومت و اقناع جهانیان و امثال این پدیده ها، مسائل دیگری است که قبول آن ها و پذیرش انتخاباتی بر بنیان این پایه ها، لطمه به اندیشه عدم اعتبار نمی زند.
4. اصولا اکثریت، کی و کجا تحقق یافته است؟! در بهترین فرض و - البته - نادرترین آن ها این است که بیش از نیمی از مردم شرکت کنند و بیش از نیم ایشان رأی مثبت به فرد منتخب یا جریان حاکم دهند، لکن آیا با وجود کسانی که حایز شرایط رأی دادن نیستند (گاه حدود نصف مردم)⁴ یا رأی نداده یا بر خلاف جریان یا فرد منتخب رأی داده اند، اکثریت یا حتی قریب به اکثریتی می ماند؟!

¹ .جلسه نهم، ص51.

² . برخی از آن چه در ادامه مورد اشاره قرار می گیرد، قبلا هم ذکر شده است، لکن جهت جمع بندی و برخی ملاحظات دیگر، لازم است تکرار شود.

³ . به این که این ادله در حد مقتضی است و باید از نبود مانع مطمئن شد.

⁴ . در کشورهایی با مردم جوان.

به علاوه تصمیم برای همه مردم گرفته می شود، چرا باید اکثریت به جای اقلیت بنشینند؟

نکته دیگر جابجایی مردم و رأی ایشان است، مردم جامعه با مرگ و تولد یا با تغییر دیدگاه و آرا دائم در حال جابجایی اند.

5. همچنین افرادی به افرادی بر اساس تلقی هایی رأی میدهند که در خیلی از وقت ها، خلاف انتظار آن ها به منصفه ظهور می رسد و به راحتی نمی توان گفت: این قبیل تخلف ها و برآورده نشدن انتظار ها، تخلف واقع از داعی در قرارداد است و تخلف از داعی اثری حقوقی و شرعی ندارد؛ زیرا گاه تخلف در قالب اغرا صورت می پذیرد که حامل آثار فقهی و حقوقی است.⁵

6. در شریعت مطهر آن چه وجود دارد دار الاسلام و دار الکفر است مرزهای شناخته شده جغرافیایی، محور تقنین در شریعت مطهر نیست، و این در حالی است که انتخابات و مراجعه به آرای مردم، بر بنیان پذیرش مرزهای جغرافیایی و اعتقاد به تشکیل حکومت و دولت مدرن بر این اساس است.

7. اعتبار رای مردم در مشروعیت حکومت چه در قالب یک مرحله یا چند مرحله و گزینه هر کس یک رای با توجه به عدم ادراک بسیاری از مصالح و مفاسد از سوی کثیری از توده مردم و متاثر شدن ایشان از اغرائات و وعده های کذب، تطمیع و امثال آن، نمی تواند قابل دفاع شرعی باشد، به ویژه در انتخاب های تک مرحله و مراجعه مستقیم به مردم از شروع تا ختم.

8. در برخی مباحث کتاب القضاء به ولایت عالمان عاقل و عادل اشاره شد قهرا حتی در غیر جوامع اسلامی هم باید کار را به این افراد سپرد چه رای مردم بر وفاق باشد و چه نباشد.

9.

بدون تردید در این ارتباط می توان به تعینات و آسیب های دیگر نیز اشاره کرد و گزینه مشروعیت حکومت به رای مردم را در ضیق و شداد قرار داد.